

نشریه ادب و زبان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۹ (پیاپی ۲۶) بهار ۹۰

بررسی ساخت کلان (چارچوب فکری) حکایات بوستان سعدی

بر اساس رویکرد زبان شناختی صورتگرا

(علمی - پژوهشی)

دکتر ناصر رشیدی

استادیار بخش زبان های خارجی و زبان شناسی دانشگاه شیراز

ایوب انصاری

کارشناس ارشد زبان شناسی همگانی دانشگاه پیام نور مرکز تهران

چکیده

علم زبان شناسی همچون سایر علوم، تقسیمات و انشعابات یافته است که زبان شناسی - کلان نیز یکی از این شاخه هاست. زبان شناسی کلان به بررسی های متنی و گفتمانی می پردازد. در این نوع بررسی ها، متن از طریق پرداختن به روابط فرا جمله ای مورد بررسی قرار می گیرد. به این صورت که از طریق مطالعه روابط میان بخش های تشکیل دهنده یک متن، ساخت کلان ( بافتار ) متن مشخص می گردد. در تحقیق حاضر به بررسی چارچوب فکری ( ساخت کلان ) حکایات بوستان سعدی پرداخته شده است و در این راستا از الگوی وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در ف، ۱۹۹۷) - خان زاده امیری ( ۱۳۷۹) استفاده شده است. به طور کلی، تجزیه و تحلیل حکایات در سطح ساخت کلان نشان داده است که در ساخت کلان حکایات بوستان سعدی، چارچوب ارائه شده در الگوی مذکور قابل تشخیص است و البته در راستای تکمیل نمودن بررسی حاضر، تغییرات و اصلاحاتی نیز در این الگو صورت گرفته است. از نتایج به دست آمده در این بررسی، محوریت و مرکزیت سازه پند و اندرز در بوستان سعدی است. از مجموع ۱۰۶۰ بیت بررسی شده، ۴۷۵ بیت به سازه پند و اندرز اختصاص دارد که ۴۴/۸۱ درصد از کل ابیات را شامل می شود. بنا بر این سازه پند و اندرز،

\* تاریخ ارسال مقاله: ۸۸/۴/۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۹/۴/۱۵

آدرس ایمیل نویسنده: nrashidi@rose.shirazu.ac.ir

Ansari\_ayoub@yahoo.com

سازه محوری و اصلی در ساخت کلان حکایات بوستان سعدی تلقی می شود که این موضوع خود نشان دهنده ماهیت تعلیمی اثر مذکور است .

کلید واژه ها : ساخت کلان (چارچوب فکری) ، الگوی وودبری خان زاده امیری ، سازه ،

بوستان سعدی

#### مقدمه

بررسی چارچوب فکری<sup>۱</sup> ( ساخت کلان ) از جمله مباحث مهم تجزیه و تحلیل گفتمان<sup>۲</sup> و متن است . این گونه مطالعات در مورد تمام انواع متن ها اعم از گفتاری و نوشتاری قابل اجراست و حوزه های مختلف از جمله متون ادبی را شامل می شود . بنا بر این « طرح واره »<sup>۳</sup> در زبان ، عامل تفکیک متون گوناگون داستانی ، توصیفی ، گزارشی ، جدلی و غیره از یکدیگر است .

متن های مختلف بر اساس این که چگونه موضوع<sup>۴</sup> ، گزاره ها<sup>۵</sup> و سایر اطلاعات در درون آن ها با یکدیگر ارتباط یافته و متن واحدی را بوجود آورده اند ، از یکدیگر قابل تشخیص اند ؛ این ساختار زیربنایی که گفتمان را سازماندهی می کند ، چارچوب فکری یا ساخت کلان است . دو نوع عمده چارچوب فکری وجود دارد : یکی صوری<sup>۶</sup> و دیگری محتوایی<sup>۷</sup> . در چارچوب فکری - صوری مراحل شکل گیری انجام کار و تکمیل داستان بررسی می شود ؛ یعنی این که چگونه اجزای داستان یا وقایع آن در انسجام و یکپارچه نمودن و کلیت بخشیدن به آن در کنار هم قرار می گیرد و در چارچوب فکری - محتوایی ، مضمون و محتوا بررسی می شود . ( یارمحمدی ، ۱۳۷۴ )

در تحقیق حاضر ، بر اساس الگوی ترکیبی صورت گرای وودبری - خان زاده امیری به بررسی چارچوب فکری - صوری حکایات بوستان سعدی که نوعی گفتمان گونه روایی ادبی است ، پرداخته شده است . الگوی مورد استفاده در بررسی حاضر ، الگوی صورت گرای وودبری ( ۱۹۸۷ ، نقل شده در فب ، ۱۹۹۷ ) - خان زاده امیری ( ۱۳۷۹ ) است . خان زاده امیری در بررسی ساخت کلان حکایات کتاب منطق الطیر عطار نیشابوری بر اساس الگوی وودبری ( ۱۹۸۷ ، نقل شده در فب ، ۱۹۹۷ ) ، به وجود پنج سازه مقدمه ، کشمکش ، واکنش ، نتیجه و پند و اندرز و چهار طرح در بررسی مورد نظر خود قایل است ( عناصر یا اجزای تشکیل دهنده ساخت کلان متن را سازه می نامند ) . وی در بررسی خود بر اساس الگوی وودبری ، در حکایات داستانی دو طرح « الف » و « ب » و در حکایات غیر داستانی دو

طرح «پ» و «ت» را ارائه داده است که طرح «الف» را متشکل از سه سازه اصلی کشمکش، واکنش، نتیجه و دو سازه اختیاری مقدمه و پند و اندرز می داند که در این طرح علاوه بر سه سازه اصلی، هردویا یکی از سازه های اختیاری نیز وقوع می یابد. او طرح «ب» را متشکل از سه سازه اصلی کشمکش، واکنش و نتیجه می داند و در حکایات غیر داستانی، دو طرح «پ» و «ت» را به دست داده است که در طرح «پ»، دو سازه مقدمه و پند و اندرز و در طرح «ت»، پند و اندرز غیر مستقیم مطرح شده است. بنا بر این چارچوب نظری تحقیق حاضر، ترکیبی از الگوی وودبری و یافته های خان زاده امیری (۱۳۷۹) براساس این الگو است که از آن به الگوی ترکیبی وودبری- خان زاده امیری یاد می شود.

در بررسی حاضر سعی شده است که ضمن به دست دادن ساخت کلان حکایات بوستان سعدی بر اساس الگوی ذکر شده، به پرسش های زیر پاسخ داده شود:

۱- آیا ساخت کلان حکایات بوستان سعدی در قالب الگوی وودبری- خان زاده امیری قابل بررسی است؟

۲- وقوع هر سازه از این الگو در سطح ساخت کلان حکایات، به طور کلی به چه میزان به کار رفته و پرکاربردترین آن ها کدام است؟

۳- ساخت کلان حکایات بوستان سعدی به طور کلی با کدام طرح از الگوی وودبری- خان زاده امیری انطباق و هم خوانی بیشتری را نشان می دهد؟

۴- چه طرح هایی در ساخت کلان حکایات بوستان سعدی قابل تشخیص است و پرکاربردترین آن ها کدام اند؟

#### هدف

در تحقیق حاضر، چارچوب فکری (ساخت کلان) حکایات کتاب بوستان سعدی در مشرب زبان شناسی صورت گرا مورد بررسی قرار می گیرد که در این راستا از الگوی وودبری- خان زاده امیری استفاده شده است. با این هدف که چارچوب فکری شاعر در این اثر فاخر ادبی به دست داده شود و چگونگی ارتباط، توزیع و دیگر اطلاعات آماری لازم سازه های الگوی فوق بررسی شده، به نتیجه گیری در مورد آنها و کل اثر پرداخته شود.

۳- پیشینه تحقیق

### ۳-۱- صورت گرای

نیاز به بررسی جوانب گوناگون زبان موجب شده است که زیر شاخه هایی از زبان شناسی از جمله زبان شناسی ادبی ایجاد شوند. زبان شناس ادبی از منظر زبان شناسی به ادبیات می نگرد و در صدد تحلیل و بررسی متون ادبی بر اساس مکاتب مختلف زبان شناسی است. مکاتب صورتگرایی<sup>۸</sup>، نقش گرایی<sup>۹</sup> و نهضت "نقد نو" از جمله این مکاتب هستند.

به طور کلی در مطالعات ادبی، زبان شناسی صورت گرا به تعیین خصوصیات کلی صورت زبانی می پردازد و در صدد تعیین شیوه های کلی به کار گیری صورت زبان شناختی در صورت ادبی بر می آید. از این دیدگاه، انواع مختلف ادبی قابل بررسی اند. از جمله الگوهای صورت گرا در بررسی گفتمان و متن، الگوهای لباو و والتسکی (۱۹۶۷)، هچ (۱۹۹۲)، یار محمدی (۱۳۷۴) و وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) را می توان بر شمرد. (خان زاده امیری، ۱۳۷۹)

### ۳-۲- گفتمان و متن

بررسی ساخت کلان حکایات بوستان سعدی، نوعی تجزیه و تحلیل گفتمانی محسوب می شود. از آن جا که پرداختن به شرح و بسط بسیاری از تعاریف و نظریه های رایج شده در مورد گفتمان و متن و سایر جنبه های آن در چنین مقاله مختصری امکان پذیر نیست، لذا به اختصار در این قسمت به این موضوع پرداخته می شود.

به طور کلی می توان گفت که گفتمان، ساخت یا بافت زبان را در مراحل بالا تر از جمله در نظر می گیرد و به تجزیه و تحلیل آن می پردازد. صلح جو (۱۳۷۷)، یار محمدی (۱۳۷۲) و فرهنگ زبان شناسی کاربردی لانگمن (۱۳۷۱) در این مورد اتفاق نظر دارند؛ به عنوان مثال شهبازی به نقل از یار محمدی (۱۳۷۲) می نویسد:

هدف تجزیه و تحلیل گفتمان آن است که کلام مرتبط پیوسته معنی دار بالا تر از جمله را توصیف کند و ساخت و بافت زبان را در مراحل بالا تر از جمله، مورد واکاوی و بررسی قرار دهد. لذا تجزیه و تحلیل گفتمانی، ساخت و بافت پاراگراف، مقاله، داستان، گفتگو، آگهی، دعوت نامه، سرمقاله و حتی رباعی و قس علیذالک را مورد بررسی و توصیف قرار می دهد. (شهبازی، ۱۳۷۸: ۲۰)

۳-۲-۱- عوامل و علل پیدایش تجزیه و تحلیل گفتمان و متن شهبازی (۱۳۷۸)، به نقل از لطفی پور سعدی (۱۳۷۱)، به هشت مورد از این عوامل اشاره کرده است: ۱) تغییر نگرش در مطالعه زبان، ۲) نظریه کنش های گفتاری<sup>۱۰</sup>، ۳) نظریه کنش های گفتاری<sup>۱۱</sup>، ۴) فرضیه استنباطی گرایس<sup>۱۲</sup>، ۵) ارتباط شناسی- قومی<sup>۱۳</sup>، ۶) تجزیه و تحلیل مکالمات طبیعی در زبان، ۷) زبان شناسی متن<sup>۱۴</sup>، ۸) روان شناسی شناخت و هوش مصنوعی.

تشریح و توصیف موارد فوق در این مختصر امکان پذیر نیست و در این باره می توان به کولتارد (۱۹۸۵)، لطفی پور سعدی (۱۳۷۱) و همچنین شهبازی (۱۳۷۸: ۲۹-۱۹) رجوع نمود.

### ۳-۲-۲- مسائل و مباحث تجزیه و تحلیل متن و گفتمان

شهبازی (۱۳۷۸: ۳۰) براساس یار محمدی (۱۳۷۴) در تجزیه و تحلیل گفتمان و متن به پنج مبحث اصلی اشاره دارد که عبارتند از: ۱) استراتژی های آغاز گری<sup>۱۵</sup>، ۲) بافت توزیع اطلاعات<sup>۱۶</sup>، ۳) عوامل انسجامی<sup>۱۷</sup>، ۴) ساخت کلان (بافتار)، ۵) عناصر شبه زبانی<sup>۱۸</sup>. در این قسمت نیز جهت خودداری از اطناب مطلب به همین مختصر اکتفا شده و جهت اطلاع بیشتر به شهبازی (۱۳۷۸) ارجاع داده می شود.

در مورد ساخت کلان، اصطلاحات و تعاریفی چند ارائه شده است از جمله طرحواره، طرح زیربنایی گفتمان گونه، ساخت گفتمان، ساخت معانی - بیان<sup>۱۹</sup>، چارچوب فکری، تجزیه و تحلیل گفتمانی، ساختار رتوریک (بلاغی) و طرح زیر بنایی نوع ادبی که همه آنها به ساختار زیرین و بنیادینی که نظام و سازماندهی یک متن یا گفتمان را تبیین و تفسیر می کند، اطلاق می شود. (حسینی، ۱۳۷۹)

یارمحمدی (۱۳۷۴) معتقد است که گویندها نویسنده به هنگام تولید یک متن با توجه به معرفت زمینه ای و اطلاعاتی که ظاهراً بین او و خواننده مشترک است، از قالب خاصی برای ارائه مطلب استفاده می کند. بنابراین طرحواره ها بیانگر ساختارهایی هستند که وقایع ارتباطی براساس آنها در ذهن انسان ها ذخیره شده اند و جستجو و ضبط آنها بخشی از بررسی های گفتمانی را تشکیل می دهد.

یارمحمدی به معرفی دو نوع عمده چارچوب فکری - صوری و چارچوب فکری - محتوایی پرداخته است که به طور خلاصه در چارچوب فکری - صوری، چگونگی قرار گرفتن اجزای یک متن در کنار هم و در چارچوب فکری - محتوایی، مضمون و محتوای یک متن یا اثر مورد بررسی قرار می گیرد و در ادامه می نویسد:

طبیعی است که نوشته های مختلف می توانند چارچوب فکری - صوری متفاوت داشته باشند؛ به عنوان مثال برای یک مقاله علمی که نوعی مقاله جدلی است، می توان حداقل سه جزء متصور شد: ۱) ادعا، ۲) جدل، ۳) نتیجه<sup>۲۲</sup>. اگر اندکی تعمق کنیم می بینیم که این روند تا حد زیادی طبیعت تفکر آدمی را نشان می دهد. باید این طور باشد که مغز انسان تجارب سازمان یافته گذشته را تحت فرایند تعمیم به موارد جدید تسری می دهد و انتظار ایجاد می کند. از طرفی آن قسمتی از گنجینه گذشته را به خدمت می گیرد که با مسأله مورد نظر مرتبط باشد. (یارمحمدی، ۱۳۷۴: ۵۵)

### ۳-۳- مروری بر پیشینه مطالعات گفتمانی و متنی

یارمحمدی در مقاله ای به بررسی ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام پرداخته و برای هر رباعی خیام به وجود سه سازه توصیف، توصیه و تعلیل قایل شده است. همچنین مؤمنی (۱۳۸۰) به تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد در دو سطح خرد و کلان پرداخته و چنین نتیجه گیری کرده است که بررسی داستان مذکور یک بار دیگر مؤید نظر هچ (۱۹۹۲) در رابطه با بررسی گفتمانی داستان و یافتن چارچوب فکری نویسنده بوده است. ذکر و توضیح بیشتر مطالعات انجام شده در این زمینه از حوصله چنین مقاله ای خارج است. در این زمینه می توان به «تجزیه و تحلیل زبان شناختی اشعار فروغ فرخ زاد» توسط افراسیابی (۱۳۸۰)، «بررسی زبان شناختی حماسه رستم و سهراب فردوسی» از کمپانی زارع (۱۳۸۱)، «مطالعه گفتمانی نوشته های علمی در انگلیسی و فارسی با تأکید بر متون پزشکی» توسط مبشر نیا (۱۳۷۱/۱۹۹۲) اشاره کرد.

از آنجا که در زمینه بررسی زبان شناختی ساخت کلان حکایات بوستان سعدی تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است، در بررسی حاضر با استفاده از الگوی ترکیبی وودبری (۱۹۸۷، نقل شده در فب، ۱۹۹۷) - خان زاده امیری (۱۳۷۹) به این مهم پرداخته شده است؛ با این هدف که چارچوب فکری شاعر در این اثر فاخر ادبی به دست داده شود و

چگونگی ارتباط، توزیع و دیگر ویژگی های سازه های الگوی فوق بررسی شده و به نتیجه گیری در مورد آنها و کل اثر پرداخته شود.

#### ۴- روش تحقیق

##### ۴-۱- پیکره زبانی مورد بررسی (داده های تحقیق)

نسخه مورد استفاده در این تحقیق، کتاب بوستان سعدی از روی نسخه محمدعلی فروغی به اهتمام حمید هاشمی است. در بررسی حاضر، از مجموع ۱۶۸ حکایت بوستان سعدی، ۸۴ حکایت (۵۳ داستانی و ۳۱ غیر داستانی) به طور تصادفی انتخاب شده است.

##### ۴-۲- شیوه تجزیه و تحلیل داده ها در سطح ساخت کلان

به طور کلی، در این بررسی سعی شده است که براساس ویژگی های ارایه شده از هر سازه در الگوی وودبری - خان زاده امیری، به شناسایی و تشخیص اجزای تشکیل دهنده حکایات پرداخته شود.

در شناسایی و مرز بندی سازه ها در حکایات داستانی در الگوی وودبری - خان زاده امیری از عامل زبانی تداوم و عدم تداوم<sup>۲۳</sup> در روایت<sup>۲۴</sup> داستانی استفاده شده است. در بررسی حاضر نیز این شیوه مورد استفاده قرار می گیرد.

فب (۱۹۹۷) بررسی تداوم و عدم تداوم را مستلزم بررسی موقعیت های<sup>۲۵</sup> موجود در گسترش طولی<sup>۲۶</sup> داستان می داند. لباو و والتسکی بر این باورند که در ساختار روایت، گسترش طولی داستان زنجیره ای از وقایع را در برمی گیرد که هسته داستان را تشکیل می دهد و عبارات گسترش طولی از سایر عبارات (که مثلاً به دادن اطلاعات محیطی و غیره می پردازند) تمیز داده می شوند. (فب، ۱۹۹۷)

در قسمت های مربوط به گسترش عرضی<sup>۲۷</sup> داستان، معمولاً به فضا سازی (مقدمه چینی و زمینه سازی) پرداخته می شود و مکان<sup>۲۸</sup>، زمان<sup>۲۹</sup> و شرکت کنندگان<sup>۳۰</sup> توصیف و معرفی می شوند. قسمت هایی که در گسترش عرضی داستان قرار می گیرند، نشان دهنده ترتیب یا توالی زمانی<sup>۳۱</sup> رویداد ها یا زنجیره وقایع داستان نیستند و اجزای این قسمت ها را می توان تا حدودی حرکت داد یا جابجا نمود، بدون آنکه در زنجیره وقایع داستان خللی ایجاد شود. به طور کلی، در قسمت های گسترش طولی به «چه می شود»<sup>۳۲</sup> و در قسمت های گسترش عرضی به «چه هست»<sup>۳۳</sup> پرداخته می شود. (فب، ۱۹۹۷)

همچنین گسترش طولی داستان، زنجیره ای از موقعیت هاست و هر موقعیت اجزایی از قبیل زمان، مکان و شرکت کنندگان را داراست که با تغییر در اجزای موقعیت و یا خود موقعیت به طور کلی، نوعی عدم تداوم به وجود می آید. (فب، ۱۹۹۷)

در این بررسی، در اغلب حکایات زمان و مکان یا ذکر نشده و یا تا پایان حکایات ثابت مانده است ولی شخصیت ها در طول داستان مرتباً تغییر می کنند؛ به این معنی که در قسمتی از حکایات، محوریت و مرکزیت با یک شخصیت است و در قسمتی دیگر با شخصیت دیگر و این موضوع نشان دهنده تداوم و عدم تداوم در شخصیت مرکزی داستان است که بین قسمت های مختلف داستان مرز بندی می کند.

خان زاده امیری نیز از این شیوه استفاده نموده است و در این باره می نویسد: «مرز میان موقعیت ها، حضور مجدد شخصیت مرکزی است که عامل جداکننده بخش هاست». (خان زاده امیری، ۱۳۷۹: ۹۱)

در بررسی حاضر، علایم اختصاری «م»، «ک»، «و»، «ن»، «ت» و «پ» به ترتیب سازه های مقدمه، کشمکش، واکنش، نتیجه، تک گویی و پند و اندرز را نشان می دهند. به عنوان مثال در حکایت زیر (حکایت عارف ژنده پوش و آواز سگ) ابیات شماره دو تا شماره هشت در گسترش طولی داستان قرار دارند، ابیات شماره دو تا شماره چهار، ابیاتی هستند که سازه کشمکش را نشان می دهند، ابیات شماره پنج و شش ابیاتی هستند که بیانگر سازه واکنش اند و ابیات شماره هفت و هشت، سازه نتیجه را نشان می دهند.

#### مقدمه (م)

یکی رانباح سگ آمد به گوش	ز ویرانه عارفی ژنده پوش
درآمد که درویش صالح کجاست	به دل گفت کوی سگ این جا چراست
بجز عارف آنجا دگر کس ندید	نشان سگ از پیش و از پس ندید

#### کشمکش (ک)

که شرم آمدش بحث این راز کرد	خجل باز گر دیدن آغاز کرد
هلا گفت بر درچه پایی؟ درآی	شنید از درون عارف آواز پای

#### واکنش (و)

کز ایدر سگ آواز کرد این منم	مپندار ای دیده روشنم
-----------------------------	----------------------



نهادم ز سر کبر و رای و خرد	چو دیدم که بیچارگی می خرد
	نتیجه (ن)
که مسکین تر از سگ ندیدم کسی	چو سگ بر درش بانگ کردم بسی
ز شیب تواضع به بالا رسی	چو خواهی که در قدر والا رسی
که خود را فروتر نهادند قدر	در این حضرت آنان گرفتند صدر
فتاد از بلندی به سر در نشیب	چو سیل اندر آمد به هول و نهیب
	پندواندرز (پ)

چو شبنم بیفتاد مسکین و خرد به مهر آسمانش به عیوق برد  
 بنابراین ابیات شماره (۲) تا شماره (۸) توالی زمانی خاصی را نشان می دهند که با جا  
 به جا کردن آنها انسجام داستان به هم می ریزد ولی در ابیات شماره (۹) تا شماره (۱۲)  
 توالی زمانی خاصی وجود نداشته و با جا به جا کردن آنها خللی در یکپارچگی و انسجام  
 کلی داستان وارد نمی شود. بیت شماره (۱) سازه مقدمه را در این حکایت تشکیل می دهد  
 زیرا که به معرفی شخصیت ها و مکان پرداخته، زمینه و فضای داستان را مشخص می کند.  
 در این قسمت جهت رعایت اختصار به توضیحات ارایه شده اکتفا می گردد و  
 مثال های مربوطه ضمن تجزیه و تحلیل داده ها ارایه می شود.

##### ۵- تجزیه و تحلیل داده ها

در تجزیه و تحلیل ساخت کلان حکایات بوستان سعدی بر اساس الگوی وودبری -  
 خان زاده امیری، سازه های مقدمه، کشمکش، واکنش، نتیجه، تک گویی و پند و اندرز  
 تشخیص داده شده اند.

در سازه مقدمه، به توصیف و معرفی شخصیت ها و فضا سازی و ایجاد زمینه و بستر  
 لازم جهت شروع داستان پرداخته می شود. این سازه، نوعی پیش درآمد برای سازه کشمکش  
 تلقی می شود و شروع و گشایشی بر داستان است و ممکن است یک تا چندین بیت را  
 شامل شود و بعضاً نیز به طور کلی ذکر نشود.

در سازه کشمکش، شخصیت (های) داستان با گره یا مشکلی مواجه و روبرو می شوند  
 که در اغلب حکایات در قالب پرسش و یا مسأله ای مطرح شده است و این کشمکش  
 اغلب از نوع کشمکش بیرونی است؛ به این معنی که درگیری های شخصیت قصه با اشخاص

و اطرافیان و به طور کلی تر با عوامل پیرامونی و محیطی است. در سازه واکنش، عکس العمل، پاسخگویی یا گره گشایی مطرح می شود که توسط خود شخصیت درگیر با مشکل یا گره و یا دیگر شخصت های دخیل در داستان ارایه می شود. در اغلب حکایات، کشمکش و واکنش مطرح شده در داستان در قالب پرسش و پاسخ میان شخصیت ها تبلور یافته است. سازه نتیجه، پایان بندی قصه کوتاه مطرح شده در داستان و گاه حاصل و نتیجه کشمکش و واکنش مطرح شده در داستان است. به طور کلی در سازه تک گویی، شاعر به ذکر سخنی از شخصیتی پرداخته است که به دو صورت در رو ساخت حکایات نشان داده شده است:

الف) شاعر به ذکر سخنی از شخصیتی خطاب به شخصیت (های) دیگر پرداخته است. (حکایت غیر داستانی شماره ۴).

ب) شاعر به ذکر سخنی از شخصیتی پرداخته است که در آن شخصیت دیگری مورد خطاب قرار نگرفته است. (حکایت غیر داستانی شماره ۲)

در سازه پند و اندرز، شاعر (راوی) خواننده را از فضای داستان خارج می کند و مورد پند و اندرز قرار می دهد و سازه تک گویی هم در حکایات داستانی و هم در حکایات غیر داستانی کاربرد یافته است. در بررسی حاضر، ابیاتی که در سازه پند و اندرز قرار می گیرند و بعضی از ابیاتی که در سازه مقدمه به توصیف شخصیت ها و یا مکان و زمان و شرایط می پردازند، معمولاً توالی زمانی خاصی را نشان نمی دهند و همچنین جابه جایی آنها (اغلب در حیطه همان سازه)، خللی در روند داستان به وجود نمی آورد؛ بنا بر این، این دو قسمت گسترش عرضی داستان و سازه های کشمکش، واکنش و نتیجه، گسترش طولی داستان را نشان می دهند. حکایت داستانی زیر نمونه ای از سازه های مقدمه، کشمکش، واکنش و پند و اندرز را به تصویر می کشد:

بزرگی هنرمند آفاق بود	/	غلامش نکوهیده اخلاق بود
از این خفرفی موی کالیده ای	/	بدی سرکه در روی مالیده ای
چو ثعبانش آلوده دندان به زهر	/	گروبرده از زشت رویان شهر
مدامش به روی آب چشم سبل	/	دویدی زبوی پیاز بغل
گره وقت پختن بر ابرو زدی	/	چو پختند با خواجه زانو زدی
دمادم به نان خوردنش هم نشست	/	وگر مردی آبش ندادی به دست

نه گفت اندرو کار کردی نه چوب / شب وروز از او خانه در کند و کوب  
 (م) زسیماش وحشت فراز آمدی / نرفتی به کاری که باز آمدی  
 کسی گفت از این بنده بد حضال / چه خواهی؟ ادب یا هنر یا جمال؟  
 نیر زد وجودی بدین نا خوشی / که جورش پسندی و بارش کشی  
 منت بنده ای خوب و نیکوسیر / بدست آرم این را به نخاس بر  
 (ک) وگر یک پشیز آورد سر میبچ / گرانست اگر راست خواهی به هیچ  
 شنید این سخن مرد نیکو نهاد / بخندید کای یار فرخ نژاد  
 بد است این پسر طبع و خویش و لیک / مرا زو طبیعت شود خوی نیک  
 (و) چو زو کرده باشم تحمل بسی / توانم جفا بردن از هر کسی  
 (پ) تحمل چو زهرت نماید نخست / ولی شهد گردد چو در طبع رست

(ص: ۱۵۰).

ابیات زیر نشان دهنده سازه های تک گویی و پند و اندرز از حکایت غیر داستانی شماره

(۲) می باشند:

چه خوش گفت بهرام صحرا نشین / چویکران توسن زدش بر زمین  
 (ت) دگر اسبی از گله باید گرفت / که گر سر کشد باز شاید گرفت  
 ببند ای پسر دجله در آب کاست / که سودی ندارد چو سیلاب خواست  
 چو گرگ خبیث آمدت در کمند / بکش ورنه دل بر کن از گوسفند  
 از ابلیس هرگز نیاید سجود / نه از بد گهر نیکویی در وجود  
 بد اندیش را جاه و فرصت مده / عدو در چه و دیو در شیشه به  
 مگو شاید این مار کشتن به چوب / چو سر زیر سنگ تو دارد بکوب  
 قلمزن که بد کرد با زیر دست / قلم بهتر او را به شمشیر دست  
 مدبر که قانون بد می نهد / ترا می برد تا به دوزخ دهد  
 مگو ملک را این مدبر بس است / مدبر مخوانش که مدبر کس است  
 (پ) سعید آورد قول سعدی به جای / که ترتیب ملک است و تدبیر رای

(ص: ۱۱۰).

همچنانکه از دو حکایت فوق قابل تشخیص است، سازه های مقدمه و پند و اندرز، گسترش عرضی داستان را نشان می دهند و جابه جایی اغلب ابیات در این سازه ها، خللی در روند وقایع داستان ایجاد نمی کند.

سازه های پند و اندرز در حکایات بررسی شده از حیث تعداد ابیات و تعداد سازه ها از میزان بالاتری برخوردار است و این را می توان نشان دهنده اهمیت اساسی این سازه در کلیت حکایات، هدف اصلی شاعر از بیان آنها و ماهیت تعلیمی بوستان سعدی دانست. جهت رعایت اختصار در ادامه این قسمت، طرح کلی بافتار حکایات، تعداد و درصد سازه ها و ابیات آنها در کل حکایات و طرح های موجود در بافتار حکایات در جدول های (۱-۵) تا (۶-۵) ارائه شده اند.

#### جدول ۱-۵- طرح کلی بافتار حکایات داستانی

شماره حکایات	سازه های حکایات	ابیات سازه ها
۱	م ک و پ	(۱-۹) (۱۰-۱۳) (۱۴-۱۶) (۱۷)
۲	ک و پ	(۱-۳) (۴-۵) (۶-۸)
۳	م ک و پ	(۱-۲) (۳-۴) (۵-۶) (۷-۱۰)
۴	م ک و پ	(۱-۳) (۴) (۵-۷) (۸-۱۲)
۵	م ک و ت پ	(۱-۴) (۵-۸) (۹-۱۱) (۱۲-۱۳) (۱۴-۲۰)
۶	ک و پ	(۱-۵) (۶-۸) (۹-۲۲)
۷	م ک و پ	(۱-۶) (۷) (۸-۱۳) (۱۴-۱۷)
۸	م ک و ت پ	(۱) (۲) (۳) (۴-۷) (۸-۱۱)
۹	ک و پ	(۱-۲) (۳-۴) (۵-۶)
۱۰	م ک و پ	(۱-۳) (۴) (۵-۶) (۷-۳۰)
۱۱	م ک و پ	(۱) (۲) (۳-۴) (۵-۹)
۱۲	ک و پ	(۱-۱۰) (۱۱-۲۰) (۲۱-۳۳)
۱۳	ک و پ	(۱-۵) (۶-۷) (۸-۱۱)
۱۴	م ک و	(۱-۲) (۳-۵) (۶-۸)

(۷-۸) (۵-۶) (۳-۴) (۱-۲)	م ک و ن	۱۵
(۵-۳۳) (۴) (۳) (۱-۲)	م ک و پ	۱۶
(۱۷) (۵) (۳-۴) (۲) (۱)	م ک و پ	۱۷
(۳-۴) (۲) (۱)	م ک و	۱۸
(۱-۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹-۱۰) (۱۱-۱۵) (۱۶-۲۲)	م ک و ن ک و ن پ	۱۹
(۱۳-۲۲) (۱۰-۱۲) (۹) (۷-۸) (۶) (۴-۵) (۱-۳)	م ک و ن ک و پ	۲۰
(۱) (۲-۳) (۴-۵) (۶-۷) (۸-۹) (۱۰-۱۳) (۱۷)	م ک و ن ک و پ	۲۱
(۴-۷) (۳) (۲) (۱)	م ک و پ	۲۲
(۱-۶) (۷-۸) (۹-۱۱) (۱۲-۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۸)	م ک و ن ک و ن ک و ن پ	۲۳
(۲۴-۲۵) (۲۳) (۲۰-۲۲) (۱۹) (۱۷)		
(۷) (۴-۶) (۱-۳)	ک و پ	۲۴
(۹-۱۱) (۷-۸) (۴-۶) (۱-۳)	م ک و ت	۲۵
(۲۰-۲۳) (۱۸-۱۹) (۱۲-۱۷) (۶-۱۱) (۱-۵)	م ک و ک و پ	۲۶
(۲۴-۲۸)		
(۵) (۲-۴) (۱)	ک و پ	۲۷
(۱۲-۲۰) (۹-۱۱) (۴-۸) (۱-۳)	م ک و پ	۲۸
(۷) (۴-۶) (۳) (۱-۲)	م ک و پ	۲۹
(۱۷-۱۹) (۱۳-۱۶) (۱۱-۱۲) (۱۰) (۹) (۱-۸)	ک و ن پ	۳۰
(۲۵-۲۸) (۱۹-۲۴) (۵-۱۸) (۱-۴)	م ک و پ	۳۱
(۶-۸) (۴-۵) (۳) (۱-۲)	ک و ن پ	۳۲
(۳-۴) (۲) (۱)	م ک و	۳۳
(۸-۳۰) (۵-۷) (۳-۴) (۲) (۱)	م ک و ن پ	۳۴

(۲۴)(۱۸-۲۳) (۱۴-۱۷) (۱-۱۳)	م ک و پ	۳۵
(۵-۸) (۳-۴) (۲) (۱)	م ک و پ	۳۶
(۱۹-۲۱) (۱۷-۱۸) (۱۴-۱۶) (۱۳) (۴-۱۲) (۱-۳) (۲۲-۲۶)	پ م ک و ک و پ	۳۷
(۸-۱۲) (۶-۷) (۵) (۱-۴)	ک و ک و	۳۸
(۵-۱۷) (۴) (۲-۳) (۱)	م ک و پ	۳۹
(۷-۱۰) (۵-۶) (۳-۴) (۱-۲)	م ک و پ	۴۰
(۳-۸) (۱-۲)	ک و	۴۱
(۶-۲۱) (۴-۵) (۳) (۱-۲)	م ک و پ	۴۲
(۴-۶) (۲-۳) (۱)	م ک و	۴۳
(۱۱-۱۲) (۸-۱۰) (۶-۷) (۵) (۴) (۳) (۱-۲)	م ک و ن ک و پ	۴۴
(۱۲-۱۶) (۹-۱۱) (۳-۸) (۱-۲)	ک و ن پ	۴۵
(۵-۱۰) (۳-۴) (۲) (۱)	م ک و پ	۴۶
(۳-۴) (۲) (۱)	م ک و	۴۷
(۷) (۶) (۳-۵) (۱-۲)	ک و ک و	۴۸
(۴-۵) (۳) (۲) (۱)	ک و ک و	۴۹
(۷-۱۰) (۲-۶) (۱)	ک و پ	۵۰
(۹-۱۲) (۴-۸) (۳) (۱-۲)	م ک و پ	۵۱
(۱۲-۲۳) (۱۰-۱۱) (۳-۹) (۱-۲)	م ک و پ	۵۲
(۹-۱۲) (۷-۸) (۵-۶) (۲-۴) (۱)	م ک و ن پ	۵۳

جدول ۲-۵- طرح کلی بافتار حکایات غیر داستانی

شماره حکایات	سازه های حکایات	ابیات سازه ها
--------------	-----------------	---------------

(۵) (۱-۴)	ت پ	۱
(۳-۱۱) (۱-۲)	ت پ	۲
(۳-۷) (۱-۲)	ت پ	۳
(۴) (۱-۳)	ت پ	۴
(۳-۵) (۱-۲)	ت پ	۵
(۲۱-۳۰) (۱۸-۲۰) (۴-۱۷) (۱-۳)	ت پ ت پ	۶
(۳-۵) (۱-۲)	ت پ	۷
(۴-۱۰) (۱-۳)	ت پ	۸
(۵-۶) (۱-۴)	ت پ	۹
(۵-۶) (۱-۴)	ت پ	۱۰
(۶-۱۹) (۱-۵)	ت پ	۱۱
(۶-۷) (۱-۵)	ت پ	۱۲
(۸-۱۴) (۱-۷)	ت پ	۱۳
(۶-۱۵) (۱-۵)	ت پ	۱۴
(۳-۷) (۱-۲)	ت پ	۱۵
(۵-۶) (۱-۴)	ت پ	۱۶
(۴-۷) (۱-۳)	ت پ	۱۷
(۳-۱۳) (۱-۲)	ت پ	۱۸
(۴-۵) (۱-۳)	ت پ	۱۹
(۵-۱۳) (۱-۴)	ت پ	۲۰
(۳) (۱-۲)	ت پ	۲۱
(۵) (۱-۴)	ت پ	۲۲
(۸-۱۳) (۱-۷)	ت پ	۲۳
(۴-۱۶) (۱-۳)	ت پ	۲۴
(۴-۱۰) (۱-۳)	ت پ	۲۵

۲۶	ت پ	(۱-۲) (۳-۶)
۲۷	ت پ	(۱-۴) (۵-۹)
۲۸	تک گویی اندرز گونه (ت)	(۱-۲۰)
۲۹	تک گویی اندرز گونه (ت)	(۱-۱۰)
۳۰	ت پ	(۱-۳) (۴-۵)
۳۱	ت پ	(۱-۶) (۷-۹)

ابیات سازه پند و اندرز نسبت به ابیات دیگر سازه‌ها در حکایات داستانی و غیر داستانی تعداد و درصد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد که این موضوع می‌تواند منبعث از ماهیت تعلیمی و اندرز گونه اثر مورد بررسی باشد. جداول زیر تعداد و درصد ابیات سازه‌های جستجو شده در دو بخش حکایات داستانی و غیر داستانی را نشان می‌دهد.

جدول ۵-۳- تعداد و درصد ابیات سازه‌ها در کل حکایات

سازه‌ها	تعداد ابیات	درصد
مقدمه	۱۰۷	۱۰/۰۹
کشمکش	۱۵۷	۱۴/۸۱
واکنش	۱۷۶	۱۶/۶۰
نتیجه	۳۰	۲/۸۳
تک گویی	۱۱۵	۱۰/۸۶
پند و اندرز	۴۷۵	۴۴/۸۱
جمع	۱۰۶۰	۱۰۰

همچنان که در جدول فوق مشاهده می‌شود، سازه‌های پند و اندرز، واکنش، کشمکش، تک گویی و نتیجه به ترتیب از حیث تعداد ابیات بیشترین مقادیر را در کل حکایات داستانی و غیر داستانی شامل می‌شوند. از مجموع ۱۰۶۰ بیت کل حکایات، ۴۷۵ بیت، یعنی ۴۴/۸۱ درصد از کل ابیات به سازه پند و اندرز اختصاص یافته است. بنابراین



این سازه در حکایات داستانی، غیر داستانی و کل حکایات بیشترین تعداد ابیات را داراست و این موضوع حاکی از ماهیت تعلیمی این حکایات و محوریت سازه پندواندرز در ساخت کلان این اثر ادبی است.

#### جدول ۵-۴- تعداد و درصد سازه ها در کل حکایات

سازه ها	تعداد	درصد
مقدمه	۳۸	۱۳/۱۹
کشمکش	۶۴	۲۲/۲۳
واکنش	۶۴	۲۲/۲۳
نتیجه	۱۴	۴/۸۶
تک گویی	۳۵	۱۲/۱۵
پند و اندرز	۷۳	۲۵/۳۴
جمع	۲۲۸	۱۰۰

هم چنانکه در جدول فوق آمده است، از مجموع ۲۸۸ سازه به دست آمده از بررسی کل حکایات، ۷۳ سازه، یعنی ۲۵/۳۴ درصد از کل سازه ها به سازه پند و اندرز اختصاص یافته است. پس از سازه پند و اندرز، سازه های کشمکش و واکنش که به طور مساوی در کل حکایات دیده می شوند، نسبت به دیگر سازه ها به میزان بیشتری کاربرد یافته اند. پس از این دو سازه، سازه های مقدمه، تک گویی و نتیجه، به ترتیب در رده های بعدی قرار دارند؛ بنا براین سازه پند و اندرز در میان دیگر سازه ها بیشترین امکان وقوع را دارد و همچنان که ذکر شد، این موضوع مبین اهمیت و محوریت سازه پند و اندرز و ماهیت تعلیمی بوستان سعدی است.

#### جدول ۵-۵- طرح های موجود در بافتار حکایات داستانی

شماره طرح	سازه ها	تعداد حکایات	درصد
۱	م ک و پ	۲۰	۳۷/۷۳
۲	ک و پ	۸	۱۵/۰۹

۹/۴۳	۵	م ک و	۳
۶۲/۲۵	۳۳	جمع کل	

علاوه بر سه طرح اصلی فوق، دوازده طرح دیگر نیز در متن مورد بررسی دیده شده که هفت طرح آن هر کدام در یک حکایت و ۱/۸۹ درصد از کل حکایات داستانی، دو طرح آن هر کدام در دو حکایت و ۳/۷۷ درصد از کل حکایات داستانی، سه طرح آن هر کدام در سه حکایت و ۵/۶۶ درصد از کل حکایات داستانی مشاهده شده است. هفت طرح نخست شامل طرح های (م ک و ن)، (ک و)، (م ک و ک و پ)، (پ م ک و ک و پ)، (م ک و ن ک و ن ک و ن پ)، (م ک و ن ک و ن پ)، (م ک و ن ک و ن پ) و دو طرح دوم شامل (م ک و ن پ)، (م ک و ت پ) و سه طرح سوم شامل طرح های (ک و ن پ)، (م ک و ن ک و پ) و (ک و ک و) هستند. از آنجا که دوازده طرح مذکور، هر کدام در تعداد محدودی از حکایات (یک تا سه حکایت) به کار رفته اند، در این بررسی به این طرح ها، طرح های فرعی اطلاق می شود.

#### جدول ۵-۶- طرح های موجود در بافتار حکایات غیر داستانی

شماره طرح	سازه ها	تعداد حکایات	درصد
۱	ت پ	۲۸	۹۰/۳۲
۲	ت پ ت پ	۱	۳/۲۳
۳	تک گویی اندرز گونه(ت)	۲	۶/۴۵

در حکایات غیر داستانی، بر اساس نوع و ترتیب وقوع سازه ها در بافتار حکایات، سه طرح به دست آمده است که ۲۸ حکایت، یعنی ۹۰/۳۲ درصد از کل حکایات غیر داستانی در قالب طرح شماره (۱) تبلور یافته اند. در این طرح حکایات شامل دو سازه، تک گویی و پند و اندرزند. طرح دوم در یک حکایت، یعنی ۳/۲۳ درصد از کل حکایات غیر داستانی مشاهده شده است که در این طرح به ترتیب از سازه های تک گویی و پند و اندرز استفاده شده است. طرح سوم در دو حکایت، یعنی ۶/۴۵ درصد از کل حکایات غیر داستانی کاربرد

یافته است. در این طرح، حکایات به صورت یک تک گویی اندرزگونه بیان گردیده است؛ بنابراین در اغلب حکایات غیر داستانی، شاعر با ذکر یک تک گویی به پندوانداز و ارائه طریق پرداخته است و این طرح، طرح غالب در حکایات غیر داستانی تلقی می شود و چارچوب فکری این نوع حکایات به طور کلی در قالب این طرح تبلور یافته است.

### نتیجه گیری و کاربردهای نتایج تحقیق

در این قسمت ابتدا سوال های تحقیق ذکر و در ادامه به هر کدام از این سوالات به طور جداگانه پاسخ داده می شود:

- ۱- آیا سطح کلان حکایات بوستان سعدی در قالب الگوی وودبری (۱۹۸۷)، نقل شده در فب، (۱۹۹۷) - خان زاده امیری (۱۳۷۹)، قابل بررسی است؟
- ۲- وقوع هر سازه از این الگو در سطح کلان حکایات به طور کلی به چه میزان به کار رفته و پرکاربردترین آنها کدام است؟
- ۳- ساخت کلان حکایات بوستان سعدی به طور کلی با کدام طرح از الگوی وودبری - خان زاده امیری (۱۳۷۹) انطباق و هم خوانی بیشتری نشان می دهد؟
- ۴- چه طرح هایی در ساخت کلان حکایات بوستان سعدی قابل تشخیص اند و پر کاربرد ترین آنها کدامند؟

توضیحات و پاسخ های مربوط به سوال های فوق به ترتیب و به طور جداگانه به صورت زیر ارائه می شوند:

- ۱- به طور کلی، ساخت کلان حکایات بوستان سعدی بر اساس الگوی وودبری - خان زاده امیری قابل بررسی است. الگوی به دست آمده بر اساس بررسی حکایات بوستان سعدی از جهات زیر با الگوی وودبری - خان زاده امیری متفاوت است.

سازه «مقدمه» در الگوی مذکور به دو سازه «مقدمه» و «تک گویی» در این بررسی تفکیک شده است. در الگوی وودبری - خان زاده امیری، سازه مقدمه در برخی از حکایات داستانی و تمامی حکایات غیر داستانی کاربرد یافته که در بررسی حاضر، سازه مقدمه فقط در حکایات داستانی و سازه تک گویی در تمامی حکایات غیر داستانی و تعدادی از حکایات داستانی به کار گرفته شده اند. همچنین این بررسی نشان می دهد که ساخت کلان برخی از حکایات غیر داستانی تنها از یک سازه «تک گویی اندرز گونه»

تشکیل شده است. سازه نتیجه در الگوی مذکور، پایان قصه کوتاه مطرح شده در داستان است. این سازه علاوه بر این کاربرد، بعضاً حاصل و نتیجه کشمکش و واکنش مطرح شده در داستان است. سازه کشمکش که در الگوی مذکور اغلب از نوع درونی است، در متن مورد بررسی این پژوهش، بیشتر از نوع بیرونی است. حداقل سازه های ساخت کلان حکایات داستانی در الگوی مذکور، سه سازه کشمکش، واکنش و نتیجه است که در بررسی حاضر دوسازه کشمکش و واکنش دو سازه اصلی تلقی می شوند. تکرار سازه ها در این بررسی، از دیگر وجوه این تمایزاند.

بجز موارد فوق، تمامی سازهای الگوی وودبری-خان زاده امیری با الگوی به دست آمده در این مقاله مساوی است.

۲- همچنان که در جدول های (۳-۵) و (۴-۵) آمده است، از مجموع ۱۰۶۰ بیت بررسی شده در تحقیق حاضر، ۴۷۵ بیت، یعنی ۴۶/۸۱ درصد از کل ابیات به سازه پند و اندرز اختصاص یافته است و همچنین از مجموع ۲۲۸ سازه به دست آمده، ۷۳ سازه یعنی ۳۲/۴۵ درصد از کل سازه ها به این سازه تعلق دارد؛ بنا براین سازه پند و اندرز، سازه محوری و اساسی در حکایات بوستان سعدی است. از لحاظ تعداد ابیات، سازه های پند و اندرز، واکنش، کشمکش، تک گویی، مقدمه و نتیجه به ترتیب بیشترین تعداد ابیات را به خود اختصاص داده اند. همچنین از لحاظ میزان و تعداد سازه ها در کل حکایات، سازه های پند و اندرز، کشمکش، واکنش، مقدمه، تک گویی و نتیجه به ترتیب بیشترین تعداد را دارند.

۳- همچنان که در جداول (۵-۵) و (۶-۵) و توضیحات مربوط به آن ها آمده است، سه طرح (م ک و ن)، (م ک و ن پ) و (ک و ن پ) از طرح های فرعی حکایات داستانی، منطبق بر طرح « الف » از الگوی وودبری-خان زاده امیری است و دیگر طرح های ارائه شده در الگوی مذکور در بررسی حاضر مشاهده نشده است.

۴- در این بررسی بر اساس نوع و ترتیب وقوع سازه ها، سه طرح اصلی و دوازده طرح فرعی در حکایات داستانی و سه طرح در حکایات غیر داستانی، تشخیص داده شده است. طرح های مذکور در جدول های (۵-۵) و (۶-۵) ارائه شده اند. همچنان که در جدول های مذکور مشاهده می شود، طرح های شماره یک از حکایات داستانی و غیر داستانی، طرح های غالب در این بررسی هستند؛ به این معنی که در ۲۰ حکایت از ۳۳ حکایت داستانی، یعنی

۳۷/۷۳ درصد از این حکایات، شاعر با ذکر مقدمه ای به طرح کشمکش و واکنش پرداخته و در پایان، اندرز گویی و ارائه طریق نموده است. همچنین در ۲۸ حکایت از ۳۱ حکایت غیر داستانی، یعنی ۹۰/۳۲ درصد از کل این نوع حکایات، شاعر پس از ذکر یک تک گویی به پند و اندرز پرداخته است.

همچنان که پیشتر اشاره شد، در حکایات داستانی، علاوه بر سه طرح اصلی، ۱۲ طرح فرعی دیده شده است که هفت طرح آن هر کدام در یک حکایت، یعنی ۱/۸۹ درصد از کل حکایات داستانی، دو طرح آن هر کدام در دو حکایت، یعنی ۳/۷۷ درصد از کل حکایات داستانی و سه طرح آن هر کدام در سه حکایت، یعنی ۵/۶۶ درصد از کل حکایات داستانی کاربرد یافته اند. هفت طرح نخست شامل طرح های (م ک و ن)، (ک و)، (م ک و ک و پ)، (پ م ک و ک و پ)، (م ک و ن ک و ن ک و ن پ)، (م ک و ن ک و ک و ن پ) و (م ک و ت) و دو طرح دوم شامل طرح های (م ک و ن پ) و (م ک و ت پ) و سه طرح سوم شامل طرح های (ک و ن پ)، (م ک و ن ک و پ) و (ک و ک و) هستند.

بررسی حاضر، نشانگر به کارگیری الگویی زبان شناختی در مطالعه ادبیات به طور کلی و ادبیات تعلیمی منظوم فارسی به طور خاص است و ضمن اینکه کاربرد زبان شناسی را در تجزیه و تحلیل متون ادبی نشان می دهد، برداشت های کاربردی زیر را نیز در پی دارد. از نتایج به دست آمده از انجام تحقیقاتی از این قبیل، می توان در زمینه ترجمه استفاده نمود. به نظر یارمحمدی (۱۳۷۴) بازسازی گفتمان زبان مبداء در زبان مقصد، بخشی از فرآیند ترجمه است که باید چارچوب گفتمان و متن در دو زبان مبداء و مقصد در این فرآیند مورد توجه قرار گیرد. همچنین حسینی در این رابطه می نویسد:

«.....مترجم با یافتن ساخت کلان اثر هنری و شناختن چارچوب کلی آن می تواند ابتدا گفتمان زبان مبداء را در زبان مقصد بازسازی نماید و سپس آن را در قالب نحو و واژگان زبان مقصد ارایه کند.» (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴۱)

کاربرد دیگر انجام چنین تحقیقاتی را می توان در زمینه تدریس دانست. آشنایی با یافته های زبان شناسی و ویژگی های زبانی آثار ادبی می تواند مدرس را در امر تدریس و تفهیم یاری نماید. خان زاده امیری در این باره می نویسد:

اگر به سبک شناسی به عنوان یک موضوع نگاه کنیم، آنگاه ابزار مدرس ادبیات، پرداختن به زبان و ادبیات است و اگر سبک شناسی را رشته بدانیم، آنگاه پژوهشگر ادبی باید در معرض آموزش زبان شناسی، نه تنها از نظر آشنایی با قسمت های مختلف آن بلکه جهت اطلاع یافتن از نظریه های مختلف این علم و میزان کاربردی بودن آنها در پژوهش ادبی قرار گیرد. بنابراین در حالت اول، زبان شناسی به آموزش بهتر ادبیات کمک می کند و در حالت دوم، آموزش زبان شناسی در کنار ادبیات، سبب ارتقاء بضاعت علمی در زمینه نقد و تحلیل ادبی می شود. (خان زاده امیری، ۱۳۷۹: ۱۰۱)

بررسی هایی از این قبیل می تواند به سبک شناسی زبان شناختی نظم فارسی، شناخت سبک دوره، سبک یک اثر منفرد و یا حتی سبک شاعر کمک نماید. همچنین انجام چنین مطالعاتی را علاوه بر آثار منظوم در آثار منشور ادبی نیز می توان انجام داد.

دانشجویان رشته های زبان شناسی همگانی، آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، ادبیات و مدرسان، مترجمان، شاعران، منتقدان و علاقه مندان به مباحث سبک شناسی زبان شناختی آثار ادبی (بالاخص ادب داستانی و منظوم فارسی) می توانند از نتایج چنین تحقیقاتی استفاده نمایند.

#### یادداشت ها

- Macro-structure 2- Discourse analysis 3 Schemata 4- Topic 5- Propositions 6- Formal 7- Contental 8- Formalism 9- Functionalism 10- Prague School 11- Speech act theory 12- Gricean implicature hypothesis 13- Ethnomethodology 14- Text linguistics 15- Thematization strategies 16- Information structure 17- Cohesive device 18- Paralinguistics 19- Rhetorical structure 20- Thesis 21- Argumentation 22- Code 23 - Continuity and discontinuity 24- Narrative 25- Situation 26- Storyline 27- Non-storyline 28- Location 29- Time 30- Participants 31- Temporal order 32- What happens? 33- What is?

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- ۱- افراسیابی، فرامرز. (۱۳۸۰). تجزیه و تحلیل زبان شناسانه اشعار فروغ فرخ زاد. پایان نامه کارشناسی ارشد. بخش زبان های خارجی دانشگاه شیراز.
- ۲- حسینی، شهید قلی. (۱۳۷۹). تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات ترکی مأذون (شاعر قشقای) . پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- ۳- خان زاده امیری، ناهید. (۱۳۷۹). تحلیل زبان شناختی منطق الطیر بر مبنای دورویکرد صورت گرایی و نقش گرایی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۴- شهبازی، ایرج. (۱۳۷۸). تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- ۵- صلح جو، علی. (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
- ۶- کمپانی زارع، فاطمه. (۱۳۸۱). بررسی زبان شناختی حماسه رستم و سهراب فردوسی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- ۷- لطفی پور سعدی، کاظم. (۱۳۷۱). در آمدی به سخن کاوی . مجله زبان شناسی. شماره ۱، سال ۹.
- ۸- مومنی، آرزو. (۱۳۸۰). تجزیه و تحلیل گفتمانی داستان مدیر مدرسه جلال آل احمد در دو سطح خرد و کلان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- ۹- یار محمدی، لطف الله. (۱۳۷۴). پانزده مقاله در زبان شناسی مقابله ای و ساخت زبان فارسی: دستور، متن و گفتمان. تهران: رهنما.
- ۱۰- یار محمدی، لطف الله. (۱۳۷۲). شانزده مقاله در زبان شناسی کاربردی و ترجمه. شیراز: نوید .

### منابع انگلیسی

- 1-Coulthard, M. 1985. **An introduction to discourse analysis**. London: Longman.
- 2-Fabb, N. 1997. **Linguistics and literature**. Oxford: Blackwell.
- 3-Hatch, E. 1992. **Discourse and language education**. Cambridge: Cambridge University Press.
- 4-Labov, W. and Waletzky, J. (1967). **Narrative analysis**: oral versions of personal experience. In J. Helm (ed.), *Essays on the verbal and visual arts*. Proceedings of the American ethnological society. Seattle: University of Washington Press.
- 5-Mobashernia, R. (1371/1992). *A Discoursal Analysis of Scientific Writings in English and Persian with Concentration on Medical Texts*. Unpublished M. A. thesis, Shiraz University.